

زیبایی شناسی و مسائل هنر

از دیدگاه ابو حیان توحیدی

مؤلف:

د. حسین الصدیق

مترجم:

سید غلامرضا تهامی

صمدیق، حسین

زیبایی‌شناسی و مسائل هنر از دیدگاه ابوحنیان توحیدی / مؤلف حسین الصدیق؛ مترجم غلامرضا تهامی. — تهران: الهدی: فرهنگستان هنر، ۱۳۸۳.
۲۵۹ ص.

ISBN 964 - 8121 - 97 - 4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

این کتاب در اصل پایان نامه حسین صمدیق (کارشناسی ارشد - دانشگاه حلب) می‌باشد.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
نمابه.

۱. ابوحنیان توحیدی، علی بن محمد، قرن ۴ ق. -- زیبایی‌شناسی. ۲. ابوحنیان توحیدی، علی بن محمد، قرن ۴ ق. -- نظریه درباره هنر. ۳. زیبایی‌شناسی. ۴. هنر -- فلسفه. الف. تهامی، غلامرضا، ۱۳۱۰ - مترجم. ب. فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. ج. عنوان.

۱۸۹/۱

۱۹ ص/۱۶۶ BBR

کتابخانه ملی ایران

۲۷۳۰۱ - ۸۳



فرهنگستان هنر

تلفن: ۶۹۵۱۶۵-۲. فاکس: ۶۹۵۱۶۶۲

Email: www.honar.ac.ir

انتشارات بین‌المللی الهدی

تهران - صندوق پستی: ۴۳۶۳ - ۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۳۰۶۲۶۱ - فاکس: ۶۳۰۶۲۳۰



عنوان: زیبایی‌شناسی و مسائل هنر از دیدگاه ابوحنیان توحیدی

مؤلف: حسین الصدیق

مترجم: سید غلامرضا تهامی

ناشر: انتشارات بین‌المللی الهدی با همکاری انتشارات فرهنگستان هنر

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۳ ش

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۸۱۲۱ - ۹۷ - ۴

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
سخن ناشر	الف
سخن نویسنده	۱
پیشگفتار	۴
چگونه می‌توانیم به یک مفهوم نظری زیبایی‌شناختی خودی دست یابیم؟	۶
درآمد	۱۱
۱. رابطه زیبایی‌شناسی با جامعه	۱۳
۲. اصول و مبانی زیبایی در زندگی از عصر جاهلیت تا پایان قرن چهارم	۱۵
مبانی زیبایی‌شناسی در عصر جاهلی	۱۶
مبانی زیبایی‌شناسی در اسلام	۲۱
خروج اعراب مسلمان از شبه جزیره عربستان و پیامد آمیختگی آنان با اقوام دیگر	۲۳
مبانی زیبایی‌شناسی در دو دوره اسلامی و اموی	۲۷
مبانی زیبایی‌شناسی در عصر عباسی تا پایان قرن چهارم	۳۳
مبانی دینی	۴۳
مبانی علمی و فرهنگی	۴۵
۳. ابوحنیفان توحیدی کیست؟	۴۸
لقب او	۴۸
اصل و نسب توحیدی	۴۹
تولد و مرگ او	۵۰
مشرک فلسفی و مذهب دینی توحیدی	۵۱

فرهنگ توحیدی و منابع و مآخذ نظریات زیبایی‌شناختی او.....	۵۴
فصل اول، نظریه معرفت و ماهیت زیبایی.....	۶۱
۱. نظریه معرفت.....	۶۳
۲. طبیعت زیبایی.....	۷۲
فصل دوم، آفرینش هنری.....	۸۵
۱. طبیعت نوآوری.....	۸۸
۲. الهام و عمل و رابطه میان آن دو.....	۹۵
۳. کار هنری، میان الهام و تأمل.....	۱۰۲
۴. نوآوری و اجرا.....	۱۰۵
فصل سوم، ذوق زیبایی‌شناختی.....	۱۰۹
۱. واکنش در برابر زیبایی.....	۱۱۳
۲. شناخت زیبایی.....	۱۲۸
فصل چهارم، طبقه‌بندی هنرها.....	۱۴۵
۱. وحدت هنرها.....	۱۴۷
۲. صورت هنری.....	۱۵۱
۳. خط عربی.....	۱۵۸
۴. رقص و موسیقی.....	۱۶۷
فصل پنجم، ادبیات و مسائل زیبایی‌شناختی آن.....	۱۸۷
۱. زبان، ابزار ادبیات.....	۱۹۰
۲. شکل و محتوا.....	۱۹۶
۳. صدق و کذب هنری.....	۲۰۵
۴. نظم و نثر.....	۲۱۱
۵. بدیه‌گویی و تأمل و اثر صنعت در کار ادبی.....	۲۲۱
۶. بلاغت و زیبایی هنر ادبی.....	۲۲۶
۷. نقد تطبیقی.....	۲۳۹
خاتمه و خلاصه.....	۲۴۵
نمایه.....	۲۵۱

سخن ناشر

هنر حاصل ذوق و حس زیباشناختی هنرمند و تجربیات و آموخته‌های اوست. در این مسیر، او در تعامل با هنر و دانش اقوام و ملل دیگر به غنای تجربه خود می‌افزاید و افق دید خویش را می‌گسترده و از این رهگذر است که آثار و اندیشه‌های هنری به منصه ظهور می‌رسد و میراث هنری شکل می‌گیرد. این میراث هنری جلوه تلاش هنرمندان، اندیشمندان و انسان‌هایی است که در آفرینش اثری زیبا سهم داشته‌اند. در واقع آنچه به عنوان دست ساخته‌های انسانی در قالب بنایی عظیم، مجسمه‌ای زیبا، تابلو نقاشی چشم‌نواز و خطوط اسرارآمیز خودنمایی می‌کند، تحت تأثیر انگاره‌ها و اندیشه‌های رایج در تمدن‌های گوناگون بشری است. مهم آن است که این میراث را بشناسیم و ابعاد گوناگون آن - هنری، فلسفی، تاریخی، جامعه‌شناختی، انسان‌شناختی، ... را تحلیل و بررسی کنیم. بر همین اساس فرهنگستان هنر با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در راستای رسالتی که در نشر، ترویج و حمایت از هنر برعهده دارد، علاوه بر برپایی همایش‌های بین‌المللی، هم‌اندیشی‌ها و نمایشگاه‌های مختلف، با انتشار مجموعه‌های آثار در حوزه‌های گوناگون هنر سعی دارد پاسخگوی نیاز هنرمندان و محققان در این زمینه باشد.

فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی از جمله حوزه‌هایی است که مورد اهتمام جدی قرار گرفته و کتاب زیبایی‌شناسی و مسائل هنر از دیدگاه ابوحنیف توحیدی اولین جلد از این مجموعه می‌باشد که با همکاری انتشارات بین‌المللی الهدی به زیور طبع آراسته می‌گردد. امید است که مورد استفاده محققان و پژوهشگران قرار گیرد.

انتشارات فرهنگستان هنر و انتشارات بین‌المللی الهدی

سخن نویسنده

ابن سُبَیْن در جای جای رسائل خویش این عبارت را تکرار می‌کند که: «آری، غایت و هدف هر موجودی دستیابی به کمال است.» به گمان من، این عبارت ساده در عمق خویش تمامی فلسفه تمدن عربی-اسلامی را در نگرش به انسان و جهان هستی، از خلال کمال مطلق الهی تلخیص می‌کند. اگر ما امروز در سطوح مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و در هر دو زمینه قومی و میهنی از ناکامی‌ها و نارسایی‌های بسیار رنج می‌بریم، عامل و علت اساسی آن به مسأله شناخت خودی خود (خودشناسی) باز می‌گردد، زیرا درواقع همین ذات و فطرت فِعال انسان است که در ورای همه اکتشافات و نوآوری‌های او جای دارد.

اراده و خواست انسان به تنهایی برای دستیابی به این نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها کفایت نمی‌کند، بلکه باید درک و شناختی نیز همراه آن باشد که عملکرد اراده را نظم و سامان بخشد؛ شناختی که به آدمی بفهماند که کیست؟ معنا و مقصود وجود او چیست؟ و در این هستی و زندگی چه وظیفه و تکلیفی دارد؟ و از خلال همه اینها راه‌هایی پیش او گذارد که زندگی و هستی او را معنا بخشد.

اگر چنین شناختی در کار نباشد، اراده و خواست آدمی، خود مانعی بر سر راه او می‌شود و او را از خودی خود باز می‌دارد و در حالی که می‌پندارد به راه راست می‌رود و کار درست می‌کند، حاصل کارهایش پراکنده و در هم ریخته می‌گردد و نه به او سودی می‌بخشد و نه او را به هدف و مقصدی می‌رساند و بدین‌گونه توان و نیروی او و به دنبال آن توان‌ها و نیروهای ملت و امت از هم می‌پاشد و بر باد می‌رود.

از سوی دیگر، شناخت تنها نیز، بدون کمک اراده‌ای که آدمی را به‌کار وادارد، ارزش چندانی ندارد. بنابراین باید شناخت و اراده، هر دو همراه و دوشادوش یکدیگر باشند و هیچ

کدام از آن دو، بی‌حضور دیگری ارزشی نخواهد داشت. با این همه، اگر ناگزیر از انتخاب یکی از آن دو باشیم، شناخت و معرفت را بر اراده و خواست ترجیح خواهیم داد، چرا که اگر اراده نباشد اما شناخت باشد، آدمی می‌تواند خود را بشناسد و وظیفه خویش را در زندگی بداند و بدین‌گونه هویتی می‌یابد که او را از پوچی و بیهودگی مصون می‌دارد.

مهم‌ترین خطر دام‌گیری که امت عربی-اسلامی ما را همچنان تهدید می‌کند، هجوم فکری و فرهنگی غرب است که از اوایل قرن بیستم کوشیده و می‌کوشد تا فرهنگ ما را غربی کند و از این راه، هویت امت ما را نابود سازد. هدف و مقصد این کتاب مشارکت در تلاش‌هایی است که از دو دهه پیش آغاز شده تا وضع واقعی این امت را بازنگری کند و خطرهای تهدیدکننده اساس هستی و تشخص وجودی امت ما را بشناسد و بشناساند.

اگر گفتار این سنجین را بیانگر اساس تفکر عربی-اسلامی بشماریم، آن گاه می‌توانیم این کتاب را روشن‌گر آن مقوله بدانیم، زیرا موضوع بحث ما، اصول و پایه‌های فکری زیبایی‌شناختی و هدف آن، بنیان‌گذاری «شناخت و آگاهی نوین و امروزین عربی» در این زمینه است.

اهمیت کتاب حاضر از آن جهت است که با نگرش موضوعی و تاریخی به این مسأله می‌پردازد. در حالی که بیشتر کتاب‌هایی که به موضوع اندیشه زیبایی‌شناختی پرداخته‌اند، ترجمه‌هایی از زبان‌های غربی به عربی‌اند و اندک آثاری که به قلم نویسندگان عرب نوشته شده نیز برگرفته از منابع و مآخذ بیگانه است و نویسندگان آنها کاری جز گردآوری و گزینش نکرده‌اند.

چند کتابی هم هست که عناوین آنها از آن حکایت دارد که موضوع آنها علم الجمال عربی یا عربی-اسلامی است، اما این عناوین هم به نحو علمی و دقیق انتخاب نشده و از یک بحث معرفت‌شناختی تاریخی نشأت نگرفته‌اند و مفاد و محتوای آنها منحصر به ارائه تصورات و فرضیه‌هایی چند درباره این مسأله است و چنین کاری نمی‌تواند به پایه‌گذاری و شکل‌گیری یک نظریه جامع و فراگیر کمک کند.

برخی دیگر از این کتاب‌ها نیز از دیدگاهی که سخت تحت تأثیر و نفوذ فرهنگ غربی بوده، پاره‌ای مسائل دانش زیبایی‌شناختی عربی-اسلامی را مطرح کرده‌اند و کتاب حاضر نخستین پایان‌نامه‌ای است که برای اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشکده ادبیات دانشگاه

حلب، در موضوع زیبایی‌شناختی عربی-اسلامی، با راهنمایی دکتر فؤاد مرعی تدوین شده است. امروز که این اثر پس از گذشت بیست سال فرصت انتشار یافته است، ناگزیر سراسر آن بازنگری شده و مطالبی بر آن افزوده یا از آن کاسته شده و پاره‌ای از اصطلاحات آن تعدیل گشته و در پایان بدین صورت درآمده است.

امید دیگری که از انتشار این اثر دارم، آن است که آغازی برای بنیان‌گذاری دانش زیبایی‌شناختی نوینی باشد که از هویت و فرهنگ خود ما مایه گرفته باشد و مرجعی باشد که به آن داوری بریم و نمونه‌ای که در ارتباط با واقعیات موجود و به‌ویژه در زمینه نوآوری‌های هنری از آن پیروی کنیم. جامعه هنری ما امروز نیاز بسیاری به چنین معیاری دارد، زیرا وضعیت واقعی امت ما، که هنر نیز بخشی از آن است، گرفتار آشفتگی است و نظرها درباره آن پراکنده و آشفته است و اساس هستی ملل عرب لرزان شده و شک و دودلی همگان را فرا گرفته که امیدوارم شک پیش از یقین باشد.

فرهنگ امت حاصل زمان حاضر نیست و پیش از هر چیز دیگر عمقی تاریخی دارد، از این دیدگاه، تاریخ همان هویت امت است و کسی که تاریخ خود را نداند، همچون کسی است که حافظه ندارد و آن که حافظه ندارد، هویت ندارد.

شناخت تاریخ، شرط اساسی برای شناخت هویت است و اگر گذشته‌ای نبود، حال و حاضری هم نبود و آن کس که گذشته‌ای ندارد، نه حال و حاضری دارد و نه آتیه و آینده‌ای.

پیشگفتار

بی‌شک، ملت عرب نیز همچون همه ملت‌های دیگر شناختی از زیبایی دارد که خاص خود آن است و این‌گونه از درک و فهم زیبایی، حاصل اندیشه و بینشی است که بر همه روابط آنان با واقعیات زندگی و پدیده‌های متنوع آن حاکم است. اما بحث ما درباره مفهوم زیبایی مستند به یک نظم فلسفی معرفتی در اندیشه عربی است که نمایانگر مشارکت این ملت در دانش زیبایی‌شناختی جهانی است و دریافت چنین مفهومی در عصر جدید کاری بس دشوار است. مطالعات زیبایی‌شناختی معاصر عربی از چند تلاش فردی در ترجمه مباحثی از این دانش از زبان‌های اروپایی و تألیف آناری در مسائل نزدیک به زیباشناختی تجاوز نمی‌کند و این چند ترجمه و تألیف نیز بیش از آن که به علم‌الجمال مربوط باشد، به نقد ادبی و روش‌های روان‌کاوی نزدیک است^۱ و هیچ یک از آنها را نمی‌توان یک پژوهش در زیبایی‌شناسی عربی تلقی کرد، به‌ویژه که همه این آثار از مفهوم غربی زیبایی و بالاخص از مفهوم معاصر آن تأثیر پذیرفته است.

این تقلید از غرب، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه در همه زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی و به‌ویژه در مسائل هنری، حاصل شیفتگی و وابستگی ما به تمدن غرب و اتکای ما بر فرهنگ غربی است. نهضت جدید عربی در زمینه هنر نیز به دست کسانی پایه‌گذاری و آغاز شده که دانش و فرهنگ را در غرب و از غریبان فرا گرفته‌اند.

اگر ما به جست و جوی مبانی درک زیبایی در جامعه عربی معاصر برآسیم، مایه‌ها و

۱. عبدالعزیز دسوقی. نحو جمال عربی (به سوی زیبایی‌شناسی عربی)، مجله عالم‌الفکر، کویت، مجلد ۹، شماره ۲.

پایه‌های بسیاری خواهیم یافت که از ویژگی‌های جامعه خود ما نشأت گرفته و هرچند که تقلیدگرایان در صدد محو یا زشت‌نمایی آنها برآمده‌اند، اما این مایه‌های غنی و سرشار همچنان خود را نمایان و جلوه‌گر می‌سازند.

ما امروزه همچنان می‌بینیم که ذوق هنری طبقات عامه‌ای که اکثریت جامعه عربی ما را تشکیل می‌دهند، در آثار هنری تجریدی عربی، همچون کتیبه‌های عربی، آرایه‌های نباتی، اشکال هندسی و مقرنس‌ها لذتی سحرآمیز و مبهم می‌یابد که آنان را در معراجی عرفانی و روحانی به سوی وحدت مطلق الهی رهنمون می‌گردد و چنین لذتی را در تماشای تابلوها و پیکره‌های غربی، یا تحت تأثیر غرب نمی‌یابیم؛ مگر لذت‌گونه‌ای که مدعیان فرهنگ و تمدن، به صورتی قهری از آن احساس می‌کنند یا ادعای احساس آن را دارند.

این نظر به معنای آن نیست که ما جهانی بودن هنر را انکار کنیم، اما جهانی بودن، خود مستلزم آگاهی از فرهنگ جهانی این هنرهاست تا بتوانیم مدعی درک آن - اگر نگوئیم تقلید آن - باشیم.

مراد ما از مفهوم «زیبایی عربی» آن زیبایی است که بر مبانی عربی استوار باشد و از واقعیت اجتماعی عربی آن‌چنان که هست و نیز از تحول تاریخی آن مایه گرفته باشد.

برای مثال، اگر هنرهای نمایشی و پیکره‌سازی از مظاهر زیبایی غربی است، چرا ما هم باید به آن هنرها روی آوریم؟ و اگر این فرض را هم بپذیریم، چرا باید مفهوم پیکرتراشی ما با مفهوم غربی آن همسان و سازگار باشد نه با مفهوم زیبایی عربی؟

ما عناصر سازنده شناخت زیبایی ویژه خود را داریم، اما یک مفهوم نظری که مبانی و اصول این شناخت را بشناساند و خطوط اصلی آن را ترسیم کند، نداریم. چنین مفهومی باید عناصر تشکیل دهنده زیبایی را از خلال آثار اصیل هنری استخراج کند و آن را تعمیم دهد تا آن که فعالیت زیبایی‌شناسی عربی، به‌ویژه هنر، در جریان یک رابطه دیالکتیکی فزاینده و به کمک آن به اصالت خود بازگردد.

ما باید به یاد داشته باشیم که وظیفه و هدف دانش زیبایی‌شناختی وضع قوانین و قواعدی برای کارهای هنری یا نظارت و اشراف بر آنها نیست، بلکه وظیفه نخستین و اهم آن بررسی واکنش‌ها و بازتاب‌های واقعیت اجتماعی و تطورات آن در کارهای هنری است تا از طریق بررسی این کارها، میزان آگاهی اجتماعی و مبانی زیبایی‌شناختی را بسنجد و ارزیابی کند و

در راه تحوّل و تکامل آن بکوشد و آن را در میان افراد جامعه ترویج کند تا بر غنای شخصیت انسانی بیفزاید و روابط افراد جامعه را با واقعیت موجود بهبود بخشد.

چگونه می‌توانیم به یک مفهوم نظری زیبایی‌شناختی خودی دست یابیم؟ پاسخ به این سؤال تنها به چند ملاحظه گذرا یا تصمیم‌گیری‌های شتابزده محدود نمی‌شود، بلکه از آن فراتر می‌رود و مستلزم غور و بررسی عمیق در مباحث دشوار و با جهت‌گیری‌های مختلف و متعدد است. این بررسی‌ها نیز باید بر مبانی اجتماعی، فرهنگی، دینی و اخلاقی جامعه ما متمرکز شود و همه عوامل و عناصری را که در پیدایش و ساختار این مبانی و تطوّرات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن سهم و نقش دارند، مورد پژوهش قرار دهد و رابطه فرد با جامعه و زندگی و تأثیر همه آنها را در پیدایش اسلوب‌های آفرینش هنری بررسد و بسنجد.

همچنین، این بررسی‌ها نباید جامعه عربی اعصار گذشته را از نظر دور بدارد، بلکه باید کار را از همان دوران آغاز کند، زیرا هرکاری که در زمینه تقویت اصالت فرهنگ و تمدن صورت می‌گیرد، باید به ریشه‌های آن بازگردد و از آنجا آغاز کند تا بتواند آن را بشناسد و بفهمد و نیز باید عوامل مؤثر در آن و اوضاع محیطی را که در آن رشد و تکامل یافته، در نظر داشته باشد. البته بازگشت به ریشه‌ها در کار اصالت‌گرایی هرگز به معنی وضع قوانین و نظریات خشکی که راه‌های شناخت جامعه معاصر را بر ما تحمیل کند، نیست، بلکه به معنی آن است که ما را در شناخت جامعه، در پرتو قواعد تحوّل تاریخی و اجتماعی و در چارچوب رابطه میان دوران‌های گذشته کمک و یاری کند.

بنابراین اگر بخواهیم به چنین نظری برای زیبایی‌شناختی دست یابیم، ناچار باید به میراث گذشته و گذشتگان خود بنگریم و نظریات زیبایی‌شناختی را از لایه‌لای نوشته‌های میراث‌گذاران بزرگی که نمایندگان برجسته آنند، همچون جاحظ، کُندی، ابن سینا، فارابی، آمدی، توحیدی، ابن عربی، جرجانی، غزالی، سهروردی، ابن قیّم جوزیه، ابن تیمّه و دیگرانی که مجال برشمردن نام همه آنان نیست، اعمّ از شاعران و نویسندگان یا فیلسوفان و متصوفان بیرون آوریم تا هسته نخستین برای ساختن و پرداختن مفهوم زیبایی‌شناختی عربی را بیابیم. بررسی چیستی و چگونگی زیبایی در آرای توحیدی کوششی برای روشن کردن گوشه‌ای از

پهنه این میراث سرشار از نظریات زیبایی‌شناختی است و می‌تواند فراخوانی برای بررسی‌ها و گفت‌وگوهای بیشتر باشد که به پایه‌گذاری نظری مفهوم زیبایی عربی بینجامد.

اما چرا توحیدی را برگزیده‌ایم؟ درست است که در این زمینه گزینه‌های بسیار در دسترس داریم که همه آنها از غنای کافی برخوردار و شایان توجه و تحقیق‌اند، اما توحیدی از این جهت ممتاز و متمایز از دیگران است که او در دوره‌ای می‌زیست که اوج تمدن عربی-اسلامی بود، هرچند در همین دوران بود که وحدت و یکپارچگی سیاسی عربی-اسلامی دچار گسیختگی گردید و در گوشه و کنار قلمرو دنیای اسلامی دولت‌های کوچک متعدّد با اهداف و مقاصد متفاوت و بیشتر براساس مذهب یا قومیت سر برآوردند.

توحیدی در آن عصر از فرهنگی فراگیر برخوردار بود و نوشته‌های او نمایانگر فرهنگ عصر اوست و می‌توان آثار او را گزارش‌گونه‌ای از آنچه در محافل و مجالس علمی آن روزگار می‌گذشت و انواع مسائل فلسفی، ادبی و علمی را دربرمی‌گرفت، تلقی کرد. افزون بر این، آثار او نمایانگر صحنه‌هایی از زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن دوران است و ارزش نظریات هنری و زیبایی‌شناختی او نیز از همین حقیقت مایه می‌گیرد، به گونه‌ای که نه تنها فلسفه زیبایی‌شناختی خاص او را نمایان می‌سازد، بلکه نماینده یکی از بارزترین جهت‌گیری‌های زیبایی‌شناسی آن دوران نیز هست که گروهی از برجستگان، سرشناسان و شخصیت‌های فکری آن روزگار به آن وابسته‌اند و توحیدی از محضر برخی از آنان دانش آموخته یا از آنان نقل قول کرده است و پیشاپیش این گروه می‌توان از ابوسلیمان منطقی و مسکویه یاد کرد.

روشن است که هنرمند پیش از دیگران قادر به شناخت زیبایی و درک عمق آن و سخن گفتن درباره آن است و توحیدی برحسب سرشت خود یک هنرمند بود و طبعی حسّاس و نازک داشت که او را در کشف و شناخت زیبایی و درک و فهم آن یاری می‌داد. افزون بر آن، اسلوبی متمایز و نبوغی ادبی داشت که فراتر از زمان خود بود. شاهد این سخن، دوران انزوا و تنهایی سختی است که در سرتاسر زندگی خود با آن دست به گریبان بود. او احساس می‌کرد که جامعه، وی را چنان‌که شایسته است، ارج نمی‌گذارد و از این احساس سخت رنج می‌برد، چنان‌که در اواخر زندگی خویش با سوزاندن بسیاری از نوشته‌هایش به یک خودکشی ادبی دست زد.

توحیدی در قرن چهارم هجری و پیش از فیلسوفان و اندیشمندان غربی توانست مسائل اساسی سازنده زیبایی‌شناختی را با ویژگی یک اندیشمند و پژوهشگر عربی ارائه کند و با این کار خود نگاه‌ها را به نظریات زیبایی‌شناختی که در جای جای میراث مکتوب ما وجود دارد، معطوف سازد، نظریاتی که اگر بخواهیم مفهومی برای زیبایی‌شناختی عربی بیابیم و بپردازیم، می‌توانیم از آنها بهره‌گیریم. اما به رغم همه اینها، توحیدی چنان‌که شایسته و سزاوار اوست، مورد توجه و عنایت پژوهشگران واقع نشده و هرچند بررسی‌های ارزشمندی درباره او صورت گرفته، اما اینها بیشتر به کلیات زندگی و آثار او اختصاص یافته است. همچون پژوهش‌هایی که دکتر احسان عباس، دکتر زکریا ابراهیم، احمد محمد حوُفی، عبدالرزاق محیی‌الدین و دکتر ابراهیم کیلانی در این زمینه انجام داده‌اند و اگر هم برخی از این بررسی‌ها به نظریات زیبایی‌شناختی در آرای توحیدی پرداخته‌اند، دامنه و گستره بحث آنها بسیار محدود بوده است. برای مثال دکتر زکریا ابراهیم تنها یک فصل از کتاب خود (شامل ۲۵ صفحه، با قطع کوچک) را به ملاحظات درباره برخی از مسائل زیبایی‌شناختی در آثار توحیدی اختصاص داده و علی‌دب نیز در کتاب خود راجع به توحیدی از این فراتر نرفته است. شاید گسترده‌ترین بررسی آرای زیبایی‌شناختی توحیدی کتاب «علم‌الجمال عند آبی حیّان التّوحیدی و مسائل فی الفن» اثر دکتر عقیف بَهْسی باشد که ۵۳ صفحه آن را به این بحث تخصیص داده است. این پژوهش نیز جز ارائه شمار اندکی از متون نظریات زیباشناختی توحیدی، که بیشترین صفحات کتاب را در بر گرفته، فراتر نرفته و مؤلف به اندک توضیح و تعلیقی بر آن بسنده کرده، بدون آن که جوانب آنها را به هم ربط دهد تا نگرش کامل و همه‌سویه‌ای از مسائل مطرح شده را دریابد و ارائه کند. نویسنده کتاب، خود نیز تصریح کرده که کار او یک پژوهش همه‌سویه و بسامان نبوده، بلکه کوشیده است تا جوانب و ابعاد مفهوم زیبایی‌شناختی عربی را آن‌چنان‌که بر زبان ابو حیّان توحیدی آمده، به هم پیوندد و ربط دهد، بی‌آن‌که بتواند در آن مختصر، فلسفه هنر و زیبایی را در آرای توحیدی شرح و بسط دهد. هرچند مفهوم زیبایی عربی - نه مفهوم زیبایی‌شناختی عربی - را نمی‌توان تنها محدود و منحصر به آنچه بر زبان توحیدی آمده است، دانست.

در پژوهش حاضر، نخست متون عبارات و مطالب مربوط به زیبایی‌شناختی از لایه‌لای آثار برجای مانده توحیدی استخراج و طبقه‌بندی شده و پس از آن، براساس مفاد و مندرجات

برخی از آثار مهم دانش زیبایی‌شناختی، که نام آنها در فهرست مآخذ نیامده است، به شیوه تحلیلی فلسفی و اجتماعی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. آثار یاد شده عبارتند از: کتاب زیباشناختی کروچه، زیباشناختی شارل لالو، زیباشناختی دنیس هویسمان، تألیفات درباره آرای سقراط، افلاطون و ارسطو، برخی از گفت‌وگوهای افلاطون، همچون فیدون، میهمانی، فایدروس، جمهوریت و آثاری دیگر از کتب نقد عربی، اعم از قدیم و جدید.

حاصل این بررسی در یک درآمد و پنج فصل گنجانده شده است که درآمد آن به رابطه زیبایی‌شناسی با زندگانی اجتماعی و اصول و مبانی اجتماعی، اخلاقی، دینی و فرهنگی عصر توحیدی در قرن چهارم هجری اختصاص یافته و پیش از آن همین اصول و مبانی در عصر جاهلیت و از دیدگاه اسلام و در دو دوره اسلامی و اموی بیان شده و به دنبال آن آثار و پیامدهای خروج عرب از شبه جزیره خود به قصد نشر و گسترش اسلام و اختلاط و آمیختگی وسیع و گسترده قوم عرب و اقوام دیگر که به ظهور شرایط و اوضاع مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی انجامید و تأثیر عمیق و عظیمی که بر ساختار مبانی زیبایی‌شناسی در عصر توحیدی نهاد، مورد بحث قرار گرفته است. چاره‌ای جز این نیز نبود، زیرا همین اصول و مبانی است که مبانی فلسفه زیبایی‌شناسی را در آرای توحیدی شکل بخشیده است.

چگونگی زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جامعه عصر توحیدی مؤثرترین عامل در تردید و تردد او میان زهد در زندگی از یک سو و خوش زیستن و دستیابی به آنچه شایسته خود می‌دانست، از سوی دیگر بوده است و این سرگشتگی در زندگی باعث شد که افکار و نظریات او در زمینه زیبایی میان ایدئالیسم صوفیانه و واقع‌نگری عقلانی در نوسان باشد.

فصل یکم کتاب به نظریه معرفت و ماهیت و طبیعت زیبایی در آرای توحیدی پرداخته و فصل دوم به نظریات او درباره آفرینش هنری از لحاظ ماهیت آن و روابط میان الهام و عمل و الهام و بینش و اجرای هنری اختصاص یافته است. در فصل سوم ذوق زیبایی توحیدی چه در زمینه درک زیبایی و چه در زمینه واکنش نسبت به آن مورد بحث قرار گرفته است. فصل چهارم به بیان انواع هنرها در نظر توحیدی و موضوع وحدت هنرها و تصویر هنری و مهم‌ترین انواع هنرهای اسلامی، همچون خط و کتابت عربی و موسیقی و آوازخوانی اختصاص یافته و سرانجام در فصل پنجم موضوع ادب و جنبه‌های زیبایی آن که از دیدگاه

توحیدی مهم‌ترین گونه هنری است، مطرح گشته است. در این فصل موضوع صدق و کذب هنری، نثر و نظم، بدیهه و تأمل و تأثیر صنایع لفظی و معنوی در اثر ادبی و بلاغت و چگونگی زیبایی ادبی مورد بررسی واقع شده و به تلاش‌های توحیدی در زمینه نقد تطبیقی اشاره شده است. در بخش پایانی نیز خلاصه‌ای از نتایج به دست آمده، ارائه شده است.

سرانجام، هرچه هست و باشد، ناگزیر باید به قصور و تقصیر خود اعتراف کنم، زیرا این پژوهش، تنها کوششی آغازگر در کار بحث و تحقیق درباره مفاهیم زیبایی است. آنچه به من آرامش می‌بخشد، آن است که به قدر وسع کوشیده‌ام و توفیق جز از سوی خداوند نیست و اوست که هرکس را به مقصد و مقصود می‌رساند.

حسین صدیق

دانشکده ادبیات، دانشگاه حلب